نگاره‌های معراجی

روند تحول تاریخی از اولین تصاویر اسلامی تا نگاره‌های مصور معراج (از ابتدا تا دوره معاصر)

منیژه کنگرانی

مقدمه

معراج در لغت به معنای نردبان و مصعد، جای بالا رفتن، بلند گردیدن و فراز آمدن است. همچنین عروج پیامبر اسلام به آسمان نیز است(۱). در کتاب‌های عهد عتیق و جدید به معراج شخصیت‌هایی چون ایلیا، یوحنا، پولس، مسیح و... اشاره شده، همچنان که در آیات مختلفی از قرآن کریم نیز از معراج پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، ادریس، موسی و عیسی(ع) سخن به میان آمده است. اما کامل‌ترین نوع معراج از حیث دینی‌ها و شیئی‌ها و عروج به ملکوت هفت آسمان و سیر در عرش الهی، معراج حضرت محمد(ص) معرفی شده است(۲).

معراج پیامبر در دو سوره از قرآن کریم به‌طور اجمال مورد توجه قرار گرفته است. آیه اول از سورهٔ اسراء که سیر شبانه پیامبر اعظم(ص) از مسجدالحرام به مسجدالاقصی را منظور می‌دارد و سورهٔ نجم آیات ۵ الی ۱۸ که قسمت دوم این سفر از بیت‌المقدس به آسمان و «سدرة‌المنتهی» را مورد توجه قرار می‌دهد. براین اساس سفر ملکوتی پیامبر با عبور از مسجدالحرام به مسجدالاقصی آغاز و سپس با سفر آسمانی و عروج به آسمان‌های هفت‌گانه و ملاقات با پیامبران پیشین و فرشتگان و همچنین مشاهدهٔ بهشت و جهنم ادامه می‌یابد تا در نهایت ایشان در ملاقاتی بی‌واسطه با خداوند متعال به گفت‌وگو می‌پردازند.

این واقعه پس از بازگشت دوباره پیامبر به زمین در قالب روایات و احادیث قدسی و نبوی و به‌سرای آگاهی مردم بازگو شد و به اشکال گوناگون در اذهان مسلمانان رسوخ کرده و تأویل شد. فیلسوفان، سخنوران، ادیبان، هنرمندان و... به واقعهٔ معراج به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای زندگی پیامبر اسلام توجه کرده و آن را منبع خلق آثار متعدد خود قرار داده‌اند. نویسندگان و شاعران مختلفی همچون سنایی، نظامی، خاقانی، امیر خسرو دهلوی، فانی، سلمان ساوجی و... تحت تأثیر این رخداد مجموعه‌هایی را با عنوان معراج‌نامه به نظم و نثر درآورده‌اند علاوه بر این در ابتدای بسیاری از دیوان‌های غنایی و منظومه‌ها چون نسخه‌های شاهنامه، بوستان، مهر و مشتری و... اشعاری نگاشته شده که در آن‌ها پس از مدح و ستایش خداوند و نعت پیامبر، شرحی از واقعهٔ معراج ارائه شده است. نظر به ارتباط نزدیک نگارگری با ادبیات می‌توان تأثیر این اشعار را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر آثار تصویر شده توسط نگارگران دوره‌های مختلف پی گرفت.

روایات معراجیه‌ها ابتدا در عهد ایلخانیان مورد توجه مصوران قرار گرفت و سپس در دوره‌های مختلف به اشکال گوناگون به تصویر در آمد که علی‌رغم وجود تفاوت‌هایی که حاصل سبک هنری در هر زمان بود، شباهت‌هایی را به نمایش می‌گذارد. انتخاب شخصیت‌هایی چون پیامبر، جبرئیل و فرشتگان، براق، صحنهٔ آسمان و تصویرگری هر یک از آن‌ها نشان‌دهندهٔ مشترکات این نگاره‌هاست که در هر دوره با اندک تغییراتی تکرار می‌شود که تدقیق درباره هریک مجال و پژوهش ویژه‌ای را می‌طلبد. این مقاله بر آن است تا روند شمایل‌نگاری از حضرت رسول(ص) را صرفاً با بررسی برخی از نگاره‌های شاخص، تصویر نشده از واقعه معراج در آثار مختلف، مورد مداقه قرار دهد.

معراج در نقاشی ایرانی

قدیمی‌ترین نسخه مصور از واقعه معراج، احتمالاً نسخه «جامع‌التواریخ» رشیدالدین فضل‌الله مربوط به قرن هشتم هجری قمری است. تا قبل از این تاریخ هیچ نگارهٔ مصوری که شمایلی از پیامبر را تصویر کرده باشد یافت نشده است. «تروت عکاشه»، در رابطه با علت این امر می‌نویسد: «تعالیم معنوی و دینی قرآن کریم واضح و تردیدناپذیرند و اصولی لایتغیر به شمار می‌روند به همین سبب برای مسلمانان صدر اسلام بازنمایی تصویری یا مصورسازی متون قرآنی، پذیرفتنی نبود. همین مشکل در بازنمایی تصویری زندگی پیامبر اسلام و صحابه نیز وجود داشت؛ به‌طوری که در ابتدا مصورسازان به سبب احترام و تکریم جایگاه پیامبر و یاد و خاطره او از این کار خودداری می‌کردند»(۳).

حملهٔ مغول‌ها به ایران در قرن هفتم هجری و سقوط بر این گسترهٔ جغرافیایی و سپس گرویدن برخی از فرمانروایان مغول چون غازان‌خان، اولجایتو و... به دین اسلام، منجر به این امر شد که توجه و تعلق خاطر ایشان به پدیده‌های ایرانی از جمله تاریخ، اساطیر و تمسک به آن برای ایجاد ارتباط با این پیشینهٔ فرهنگی غنی، بیشتر شود. علاوه بر این فرمانروایان مغول که به هنر دینی بودائیان در چین و هندوستان خو گرفته بودند، بر خلاف پیشگامان خود از تماشا و تملک شمایل پیامبر هراسی به دل راه نمی‌دادند. بنابراین از ابتدای قرن ۸ ه‍.ق به بعد مصور کردن نسخ خطی، نخست با صحنه‌های تاریخی و عمومی و سپس با صحنه‌هایی از زندگی پیامبر در ایران متداول شد(۴). بر این اساس رشیدالدین فضل‌الله وزیر خردمند غازان‌خان با احداث ربع رشیدی، ادبا و هنرمندان مختلف را از نقاط مختلف گرد هم آورد و با سفارش خلق آثار هنری به ایشان، زمینه ساز تهیه کتاب‌های خطی و مصور ارزشمندی با مضامین متنوع تاریخی، ادبی و دینی شده کتاب جامع‌التواریخ بر اساس این ذهنیت نگاشته و مصور شد.

جامع التواریخ رشیدالدین

این کتاب احتمالاً در حدود سال‌های ۷۱۰-۷۰۶ هجری قمری، در دو مجلد نگاشته و مصور شده است. در جلد دوم این کتاب و از میان هشت نگاره‌ای که از صحنه‌های مختلف زندگی پیامبر اسلام ترسیم شده، نگاره‌ای نمایانگر واقعهٔ معراج است. این نقاشی در کادری افقی ترسیم شده و واجد برخی از ویژگی‌های نقاشی بیزانسی است. در این نگاره پیامبر نشسته بر پشت براق تصویر شده‌اند در حالی که پوشش بلندی برتن و سربوشی بر سر دارند که انتهای آن در هوا معلق است. چهرهٔ آرام ایشان با محاسنی تیره و در حالی که به کتاب(احتمالاً قرآن) در دست دارند، برای می‌نگرد، بدون هیچ پوششی قابل مشاهده است. نگارگر در تصویرگری این نگاره از هیچ نشانه بصری که حاکی از تقدس یا برجستگی شخصیت پیامبر باشد، بهره نگرفته است.

معراج نامهٔ میر حیدر

این معراج‌نامهٔ مصور مشهور به معراج‌نامه میرحیدر یا معراج‌نامه هرات که قبل از ۸۳۹ ه‍.ق مصور شده است(۵)، به سبب تصاویر و همچنین خط ترکی(اویغوری) میرحیدر، خطاط این نسخه، اهمیت فراوانی دارد و احتمالاً در کارگاه شاهرخ تصویر شده است. کتاب مربوط سفر پیامبر را به بهشت و دوزخ نشان می‌دهد و تصاویر آن بر خلاف معمول به شکل مربع هستند و از متن کتاب، بسیار متمایز قرار داده شده‌اند(۶). در تمامی برگه‌های این نسخه، تمثال پیامبر بدون پوشش و به صورت مرد جوانی با محاسن تیره بر چهره با نوک تیز در انتها، ترسیم شده در حالی که پیراهن بلندی به رنگ سبز زیتونی بر تن و عمامه‌ای سفید رنگ بر سر دارند که امتداد آن گرد چهره را فرا گرفته و چانوی گردن ایشان را پوشانده است. پیرامون سر پیامبر، هالهٔ زرینی به شکل شعله‌های آتش دیده می‌شود که نسبت به نسخه‌های قبلی از ارتفاع بیشتری برخوردار است. لازم به ذکر است که در برخی از نگاره‌های این نسخه، این هاله تمامی پیکر پیامبر را در بر گرفته است. حالات حرکات بدن، دست و سر پیامبر در هر صحنه به روشی متفاوت و متناسب با موضوع در هر نگاره نقاشی شده است.

مخزن الاسرار خمسهٔ نظامی

عبدالرزاق، نگارگر برجسته معاصر بهزاد در نگاره‌ای که به سال ۹۰ ه‍.ق در مکتب هرات برای نسخهٔ خطی از خمسهٔ نظامی نقاشی کرده است، صحنه‌ای از معراج متأثر از سنت تصویری گذشتگان را به نمایش می‌گذارد. پیامبر در این تصویر به صورت جوانی خوش سیما نشسته بر پشت براق نقاشی شده که پیراهنی بلند و قهوه‌ای بر تن دارد که اشاراتی از لهاسی به رنگ آبی از زیر آن مشهود است و سر ایشان برای نگریستن به فرشتگان و پیرامون، به عقب برگشته است. چهره پیامبر مشخص و واضح با محاسن تیره تصویر شده در حالی که عمامه‌ای به رنگ سفید بر سر دارد و امتداد آن در پشت گردن ایشان قرار گرفته و دو رشته گیسوی بافته بر دو طرف شانهٔ وی مشاهده می‌شود که در اثر وزش باد به سوی دیگر امتداد یافته است. سنت ترسیم هالهٔ آتشین با زبانه‌ای بلند در پیرامون سر پیامبر همچنان رعایت شده است.

هفت پیکر نظامی

یکی از مشهورترین تصویرسازی‌های معراج، نگاره‌ای است که بین سال‌های ۹۴۲ تا ۹۴۷ هجری، در دوره سلطنت شاه طهماسب برای کتاب هفت پیکر نظامی توسط سلطان محمد، نگارگر برجسته مکتب تبریز نقاشی شده است. در این تصویر، پیامبر سوار بر براق، در بهنه آسمان فراتر از ابرها تصویر شده‌اند که قبایی سبز رنگ بر تن داشته و قسمت‌هایی از لباس قرمز رنگ ایشان از زیر قبا مشهود است و عمامه‌ای سفید رنگ بر سر دارند. بر خلاف سایر نگارگرها که تاکنون به آن اشاره شد چهرهٔ پیامبر با نقابی پوشیده شده و قابل رؤیت نیست. در این تصویر هالهٔ آتشینی با شعله‌های بلند و اجزای متعدد مشاهده می‌شود که صرفاً محدود به هالهٔ پیرامون سر نشده و حول بدن ایشان را به کلی فرا گرفته است.

خاوران‌نامه اسکندری

در برگی دیگر از نسخهٔ هفت اورنگ جامی که بین سال‌های ۹۶۴-۹۷۳ ه‍-ق در مشهد مصور شده، صحنه‌ای از معراج پیامبر ملاحظه می‌شود که در آن پیامبر با جامه‌ای بلند به رنگ سبز زیتونی و نارنجی با انشراحی از رنگ آبی، نشسته بر براق در مرکز کادر تصویر شده، در حالی که عمامه‌ای سفید بر سر و نقابی بر چهره دارند که روی ایشان را پوشانیده است. انوار شعله مانند و طلایی رنگ با جزئیات و اشعه‌های متعدد پیرامون ایشان و براق مشاهده می‌شود.

کلیات سعدی

نگاره‌ای در سال ۱۰۲۴ ه‍-ق برای نسخه‌ای از کلیات سعدی مصور شده است. در این نگاره نیز پیامبر با لباس تیره در مرکز تصویر سوار بر براق تصویر شده‌اند. صورت پیامبر با نقابی پوشانیده شده که از بالای عمامه تا پایین گردن امتداد یافته است. دور سر ایشان هاله‌ای آتشین گونه دیده می‌شود که در اثر باد به سویی کشیده شده است. دست راست ایشان برای اهداء انگشتر (به نشانه ولایت) به سمت شیر که نمادی از حضرت علی(ص) است، دراز شده است.

خمسه نظامی

در نسخه‌ای از خمسهٔ نظامی که در حال حاضر در مصر نگهداری می‌شود و در قرن ۱۱ ه‍-ق تهیه شده، نگاره‌ای از صحنهٔ معراج پیامبر وجود دارد که به شیوه‌ای متفاوت از نمونه‌های ذکر شده سیه سبک هندوصفوی - و ملهم از شیوه غربی تصویر شده است. در این نگاره، پیامبر در میان ترکیبی فشرده از فرشتگان، سوار بر براق بر بالای بناهایی مشتمل بر سه گنبد طلایی به نشانه سه حرم مسلمانان یعنی مسجد الاقصی، مسجدالنبی و مسجدالحرام(۴) در حرکت است، در حالی که ردایی سفید بر تن و عمامه‌ای روشن بر سر دارند و نقابی، صورت و گردن ایشان را پوشانیده است و در اطراف ایشان هاله‌ای از نور به شکلی متفاوت از سایر نگاره‌ها- به شکل ابر با اشعه های بلند- و به رنگ زرد و طلایی و صورتی مشاهده می‌شود.

بوستان سعدی

از اوایل قرن دوازدهم احتمالاً با تشدید تعصبات مذهبی و منع شمایل نگاری از تمثال معصومین تا مدتی تصویر پیامبر در نگاره‌ها حذف می‌شود و هنرمندان بنا به کار بردن ترفندهای مختلف روایات مذهبی و صحنه‌های دینی‌ای چون معراج را به تصویر می‌کشند.

در معراج‌نگاره‌ای از بوستان سعدی متعلق به سدهٔ دوازدهم هجری، صحنه‌ای از معراج نشان داده شده که در هر مرکز صحنه پیامبر بر پشت براق ترسیم شده است اما پوشش یا ردایی بلند، سر و بدن ایشان را به تمامی پوشانده و غیرقابل رویت نموده است، اما هاله‌ای به شکل دایره با اشعه‌های کوتاه اطراف قسمت سر مشاهده می‌شود. در تضاد با ایشان، شکل بدن و سر و صورت فرشتگان و براق به تمامی پیداست.

شاهنامه فردوسی

در کتابخانهٔ بریتانیای نگهداری می‌شود که در سال ۱۱۳۱ هـ.ق در مکتب هند و ایرانی مصور شده است(تصویر ۱). هنرمند این نگاره، به‌هیچ عنوان سعی در نمایش تمثال حضرت را نداشته است. بر این اساس براق در میانه نقاشی بدون راکب تصویر شده اما هنرمند با چینش عناصر در نگاره سعی در القاء حضور پیامبر در عین ناپیدایی در صحنه را داشته است. در این رابطه می‌توان به جهت حرکت فرشتگان که در حال اهداء هدایا هستند و همچنین جهت نگاه ایشان که به فضای خالی روی براق می‌نگرند و متن شعری کادر، اشاره کرد. حضور خورشید با شعلهٔ نورانی در این تصویر نیز حکایت از حضور معنوی پیامبر است که در چندین نمونه‌ای که تمثال حضرت تصویر نشده است، مشاهده و تکرار می‌شود.

کاشی نگاره

از نیمه دوم قرن ۱۲ به بعد، کمتر نوآوری و تحول در تصاویر مشاهده می‌شود. با تحول در ابزار و مواد نقاشی و بوم آن، نقاشی بر روی کاشی، دیوار، و شیشه رواج می‌یابد که در ابتدا به عنوان تزئین در کاخ‌ها و ابنیه دولتی و سپس در بناهای عمومی چون تکیه‌ها، حمام‌ها و... رایج شد که موضوعاتی مختلف از جمله مضامین مذهبی را به نمایش می‌گذاشته. در معراج‌نگاره‌هایی که از این دوره به شیوه‌های مختلف رواج می‌یابد، تمثال حضرت چون گذشته با رویی که با نقاب پوشیده شده و هاله‌ای از نور در اطراف سر، مجسم می‌شود.

کاشی نگاره‌ای بدون تاریخ که احتمالاً از دورهٔ قاجار به جا مانده است، در تکیه معاون‌الملک کرمان شاه مشاهده می‌شود(تصویر ۲). پیامبر در این تصویر نشسته بر براق و بزرگتر از فرشتگان ترسیم شده‌است. وضعیت قرارگیری بدن از روبرو و به سمت بیننده و شکل پا به صورت نیمرخ است. صورت پیامبر با نقابی پوشانیده شده و دو هاله به شکل دایره با دو رنگ صورتی و زرد، گرد سر ایشان مشاهده می‌شود. همچنین عمامه‌ای سبز رنگ بر سر دارند که امتداد آن دور گردن را پوشانده است و با دستی آن را لمس می‌کنند. دست دیگر ایشان در حال اهداء انگشتری به شیر زیر پای براق است. شیر سمبل حضرت علی(ع) و انگشتر به نشانه هدیه ولایت به ایشان تعبیر می‌شود.

نقاشی پشت شیشه

نقاشی پشت شیشه‌ای منسوب به میرزا اسکندر وجود دارد که در آن صحنه‌ای از معراج پیامبر نقاشی شده است(تصویر ۳). پیامبر در مرکز این تصویر سوار بر براق ترسیم شده در حالی که لباسی قرمز بر تن و عمامه‌ای تیره بر سر دارند و نقابی سفید رنگ، چهره ایشان را پوشانده و هاله‌ای به رنگ زرد نارنجی دایره‌وار گرد سر ایشان را فرا گرفته است. تلاش در جهت حجم‌پردازی لباس و سایه روشن‌های رنگی متأثر از نقاشی غربی، در این تصویر به‌خوبی ملاحظه می‌شود.

حمله حیدری

با رواج صنعت چاپ، در دوره قاجار، کتاب‌های متعددی به چاپ رسید که تصاویر آن‌ها به صورت سیاه و سفید و متأثر از تصاویر منقوش و نگاره‌های پیشین ایران و به خصوص نقاشی‌های دوره قاجار است. برگ مصور کتاب «حمله حیدری» چاپ شده به سال ۱۲۶۴ هجری، صحنه‌ای از معراج را نشان می‌دهد. در این تصویر پیامبر سوار بر براق با عمامه‌ای بر سر و نقابی بر چهره، رو به بیننده در نقطه طلایی چپ کادر به تصویر در آمده است. هاله‌ای سفید به شکل ستاره‌ای با نُه پر به همراه اشعه‌هایی کوتاه خطی در پیرامون سر ایشان ملاحظه می‌شود که توجه بیننده را به خود جلب می‌کند.

تصویرسازی از معراج در دوره معاصر

تصویرسازی‌های معراج در مناسبع چاپی به‌دست آمده تا دوره قاجار، قابل پی‌گیری است. پس از آن نقاشی‌های معدودی با این موضوع ترسیم شده که از آن میان می‌توان به نقاشی معراج اثر مجید مهرگان و یا نقاشی‌هایی که توسط علی مطیع و کامبار صادقی و همچنین ایرج اسکندری (تصویر ۴) که با توجه به نگاره معراج اثر سلطان محمد نقاشی شده، اشاره کرد که در تمامی آن‌ها و سایر نمونه‌های مشابه، شمایل پیامبر همچون نگاره‌های گذشته با نقابی بر صورت و هاله‌ای پیرامون سر مشاهده می‌شود. اگرچه در ترکیب‌بندی، چینش عناصر، تکنیک و سبک مواد و ابزار مورد استفاده، تنوع بارزی ملاحظه می‌شود.

کلام آخر

معراج پیامبر، عروج یکی از بهترین برگزیدگان خداوند است که مرور زمان نتوانسته است از تأثیر و اهمیت آن بکاهد. این واقعه به عنوان یکی از اسرارآمیزترین وقایع زندگی بشری مورد توجه قرار گرفته و در آثار عرفانی، ادبی، هنری و... نمود یافته است. تصویرسازی‌های معراج به دلیل برخورداری از تخیل ناب و بیان مفاهیم عمیق، با بهره‌گیری از رمزهای تصویری، بیننده را به اسراری رهنمون می‌کند که محسوس و این جهانی نبوده و شناخت اسرار نهانی آن‌ها فرصت و مجال ویژه‌ای را می‌طلبد. در خلال مطالب مطرح شده، سعی شد خیال هنرمندان ایرانی در نحوه تصویرگری از شمایل پیامبر، بررسی شود.

ملاحظه شد که اولین صحنه‌های باز نمودی وقایع زندگی پیامبر و از جمله واقعه معراج را تنها می‌توان از قرن هشتم هجری به بعد مشاهده کرد. نظر به این‌که ترسیم چنین موضوعاتی در هنر اسلامی بی‌سابقه بوده، پیشینهٔ هنری کهن ایرانیان، مسیحیان، بودائیان و... الهام‌بخش هنرمندان در خلق چنین آثاری قرار گرفت که بعدها با پالایش، جزء لاینفک نگارگری ایرانی شد. هنرمندان در ساختار اکثر نگارهٔ معراج شخصیت پیامبر را در مرکز نگاره و سایر عناصر ترکیب‌بندی را پیرامون ایشان به گونه‌ای ترسیم نموده‌اند که بر مرکزیت پیامبر در صحنه تأکید می‌نماید. وی همواره با ردایی بلند بر تن (در اکثر نگاره‌ها به رنگ سبز یا آبی) و عمامه‌ای بر سر ترسیم شده است. شکل عمامه از نظر ارتفاع و حجم در هر دوره متفاوت و متناسب با پوشش مرسوم زمان تصویر می‌شد. در نگاره‌های ابتدایی، صورت پیامبر با اجزاء مشخص چهره، بدون توجه به نشان دادن فردیت خاصی، مطابق با سنت تصویرگری زمانه نقاشی شده‌است و هیچ علامتی دال بر تقدس ایشان ملاحظه نمی‌شود. اما از نیمه‌های دوم قرن ۸ هجری به بعد هاله‌ای زرین به نشانه تقدس در گرد سر حضرت ترسیم می‌شود که از آن پس تقریباً در تمامی نگاره‌ها مشاهده می‌شود. اگرچه شکل هاله و ارتفاع آن در هر دوره کمابیش متغیر و متفاوت ترسیم می‌شود و گاه تمامی سر و صورت پیامبر را فرا می‌گیرد.

از اواخر قرن نهم هجری، تغییری در تصویرسازی تمثال پیامبر ایجاد می‌شود، به این صورت که در نقاشی‌ها نقابی سفید رنگ چهرهٔ حضرت را می‌پوشاند که پس از آن به صورت سنت تا دوره معاصر هم رعایت می‌شود. اگرچه گاه با تشدید تعصبات مذهبی شیعی در تصویرگری از صور انبیاء و معصومین(ع)، تغییراتی در شمایل نگاری‌ها مشاهده می‌شود. حذف تصویر پیامبر از صحنه، جایگزینی شمایل ایشان با شعله‌ای آتشین و زرین و یا قرمی دایره مانند شبیه به شمسه از تدابیر اتخاذ شده توسط هنرمندان در چنین مواقعی است. از نیمه‌دوم قرن سیزدهم با گسترش نقاشی بر روی کاشی، شیشه و... واقعهٔ معراج بر روی این سطوح نیز راه یافت. اگر چه از غنای تصویری آن کاسته شده و انشراحی از توجه به حجم‌پردازی و سایه روشن متأثر از نقاشی اروپایی مورد توجه قرار گرفت. در صحنه‌های ترسیم شده از واقعه معراج در دورهٔ معاصر نیز تغییرات زیادی ملاحظه نمی‌شود و همان نمودهای رایج تصویری پیشین، پی گرفته شده است که در نمونه‌های معرفی شده این روند به خوبی مشاهده شد. تمامی آنچه گفته شد، تنها بخش کوچکی از تدابیر اتخاذ شده توسط هنرمندان گوناگون در تصویرسازی از واقعه معنوی معراج را نشان می‌دهد و شناخت عمیق مفاهیم این واقعه و رمزهای تصویری به کار برده شده در هر نگاره توسط هنرمندان، تأمل ویژه‌ای را می‌طلبد ◆

پانوشت‌ها:

۱. محمدی، ص ۳۱۱۲۴.

۲. محمدی شاهرودی، عبدالعلی، پرتوی از معراج در نثر، قم، چاپ اول ۲۷۹، صص ۲۲۴-۲۲۱.

۳. اثرات مکاشفه شمایل نگاری حضرت پیامبر، طهاریانی، هنرهای تجسمی، شماره ۲۲، ۱۳۸۰، ص ۱۰.

۴. مو جنسی، تاریخ هنر هند، پرویز مرزبان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۲۱۰.

۵. ر. دیلمو، فریده، هنر های ایران، پرویز مرزبان، تهران، فرزان روز، ۱۳۷۷، ص ۳۰۵.

۶. اورنس بینیون، ویلکینسون، بی و گری، بازیل، سیر نقاشی ایرانی، محمد ایرانمنش، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۶، صص ۱۶۱-۱۶۲.

۷. نجفی، محمد باقر، آثار ایران در مصر، ۱۳۵۶، ص ۱۲۳.